

خوانش و سنجش بافت شهر / محله به مثابه متن. مطالعه موردی:

محله تاریخی سرپوله سنندج

بهادر زمانی* سحر نصری** محمد مسعود***

چکیده

از منظر زبان شناسی، شهر را می توان در حکم یک متن، شامل مجموعه ای از اجزا و ساختارهای گوناگون که فراتر از حد یک جمله، نسبت به یکدیگر در رابطه هم نشینی قرار می گیرند، نگریست. در این نوع نگاه به شهر، آنچه بسان یک زبان مشترک، رابطه نحوی و انسجام و پیوستگی اجزای شهر را برقرار می سازد، دستور زبان شهر نامیده می شود. بررسی زبان شناختی متن شهر نیازمند رجوع به شاخه ای از زبان شناسی به نام زبان شناسی متن است که قواعد زبانی مترتب بر عناصر زبانی فراتر از مرز جمله را در بر می گیرد. هر متن ادبی، از به هم پیوستن مجموعه ای از جملات به وجود می آید؛ رابطه این جملات، درست همانند اجزای متن شهر تصادفی نیست، بلکه مجموعه همه عناصر و اجزا در ارتباطی قاعده مند، کلیتی ساختمانند و منسجم را به وجود آورده و پیوستاری هماهنگ مبتنی بر اصول و قواعد معین را به دست می دهد. ترکیب این جملات در شهر، هم از قواعد دستوری پیروی می کند و هم معنایی. مقاله حاضر با استفاده از اصول و قواعد زبان شناسی، به معرفی نوعی روش شناسی برای تحلیل کالبدی و محتوایی شهر پرداخته و با کاربست این روش در مطالعه محله سرپوله شهر سنندج که یکی از مهم ترین محلات مرکز تاریخی شهر و جزو نخستین هسته های پیدایش شهر بوده، معیارهای متن بودگی آن را با استفاده از تکنیک ها و ابزارهای طراحی شهری مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است. هدف این پژوهش، آسیب شناسی بافت این محله و دستیابی به نقاط قوت و ضعف محله سرپوله بر اساس معیارهای متن بودگی بافت است. از این رو، آزمون متن بودگی در این محله، بر مبنای هفت معیار متن بودگی (پیوستگی، انسجام، بینامتنیت، پیام رسانی، پذیرفتگی، هدفمندی، موقعیت مداری) و با استفاده از تکنیک ها و ابزارهای طراحی شهری انجام گرفته است و در مجموع، میزان متن بودگی محله سرپوله را به عنوان بخشی از شهر سنندج و درنسبت با کل شهر به دست می دهد. بر اساس یافته های تحقیق، محله سرپوله به لحاظ معیارهای متن بودگی ضعیف ارزیابی می شود و این ضعف، ناشی از فرسودگی بافت و عدم توجه به ساختار محله و معیارهای متن بودگی در نوسازی های انجام شده مربوط به آن است.

کلیدواژه ها: متن، متن بودگی، معیارهای متن بودگی، محله سرپوله سنندج

* b.zamani@aui.ac.ir

** sahar.nasri@gmail.com

*** m.masoud@aui.ac.ir

* دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول).

** کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه هنر اصفهان.

*** دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

هسته اولیه شهرها، حاوی تاریخ و هویت شهر و دربرگیرنده محلات کهن و اصیل شهر است که امروزه مورد تغییرات اساسی قرار گرفته و روز به روز به سمت بی‌هویتی پیش می‌رود و این در حالی است که به سبب سابقه تاریخی، این محلات، همه عوامل مورد نیاز برای ایجاد زندگی از جمله؛ پیوندهای اجتماعی، هویت کالبدی و غیره را دارند که می‌توان با داشتن نگاهی جامع علاوه بر حفظ و بازآفرینی آنها، در توسعه‌های آتی نیز از آنها استفاده کرد. محله سرتپوله، یکی از مهم‌ترین محلات مرکز تاریخی شهر سنندج و جزو نخستین هسته‌های پیدایش این شهر بوده است. این محله، اکنون در کنار میدان انقلاب و بازار تاریخی شهر قرار گرفته و خود، یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری شهر است. محور تجاری سرتپوله که یکی از بارزترین مراکز تجاری خرید پارچه شهر سنندج بوده و کارکردی شهری دارد، در داخل این محله قرار گرفته است. علاوه بر آن، عملکردها و کاربری‌های شاخص دیگری نیز در آن قرار گرفته که با توجه به روند فرسودگی بافت مسکونی، این عملکردها بر محله چیره شده و کم‌کم باعث از بین رفتن کارکرد مسکونی این محله شده‌اند. این در حالی است که زمانی سرتپوله، یکی از محلات مهم شهر بوده است. در این راستا، می‌توان به محله همچون متنی نگاشته نگریست که داستان‌هایی از دیرباز را در دل خود دارد. اکنون این متن، نیازمند بازآفرینی است تا با کاربران معاصر ارتباط برقرار کند و بار دیگر بتواند به حیات خویش ادامه دهد. در راستای مطالعه این هسته‌های تاریخی، می‌توان از نگرشی زبان‌شناسانه نسبت به شهر استفاده کرد؛ بدین گونه که شهر را همچون متن انگاشت و با استفاده از اصول و معیارهای زبان‌شناسی و کاریست آنها در روش‌شناسی بازخوانی و بازترکیب متن شهر، به مطالعه این متن پرداخت. هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی محله سرتپوله بر اساس معیارهای متن‌بودگی و ارتقای کیفیات این محله در چارچوب این معیارها است. با استفاده از این روش، می‌توان به مطالعه بافت‌های شهری کهن پرداخت و از آنها برای ساخت و سازهای جدید در هر منطقه و زمینه متناسب با خود آن بهره جست و به این پرسش پاسخ داد که نقاط ضعف و قوت این محله بر اساس معیارهای متن‌بودگی کدام هستند؟ در این راستا و با استفاده از روشی که شامل چند تکنیک و ابزار در طراحی شهری بوده، به مطالعه و بررسی در بافت پرداخته شده است. در فرآیند شناخت محله و تجزیه و تحلیل‌های ساختاری-معنایی در بررسی هر یک از معیارهای متن‌بودگی در مورد محله، تکنیک‌ها و روش‌های

خاصی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ از جمله این تکنیک‌ها و روش‌ها: در بررسی معیار پیوستگی و انسجام، نحو فضایی، معیار بینامتنیت تکنیک گونه‌شناسی، نقشه تصویر ذهنی برای بررسی عامل پیام‌رسانی، پرسش‌نامه رضایتمندی برای بررسی عامل پذیرفتگی، مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی عامل هدفمندی یا نیت و مشاهدات میدانی و عکس‌برداری، برای بررسی عامل موقعیت‌مداری هستند. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی-تحلیلی است و با جستجو در نظریات و بازخوانی اصول زبان‌شناسی و زبان‌شناسی متن، ادبیات پژوهش شکل گرفته و بعد از آن با دست‌یابی به حلقه مفقوده بین متن و ساختار شهر، نمونه موردی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

مهسا شعله در رساله دکتری خود (۱۳۹۰ الف) با عنوان "بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زبان‌شناختی"، شهر را به‌عنوان یک متن در نظر می‌گیرد و به شهرسازی، از دریچه آموزه‌های زبان‌شناسی که مفهوم متن و معیارهای متن‌بودگی را بررسی می‌کنند، نگریسته و این آزمون متن‌بودگی را در نمونه سنگ سیاه شیراز به انجام می‌رساند و در نهایت، معیارهای متن‌بودگی و تفسیر شهر از دیدگاه بینامتنیت را ارائه کرده، اما طراحی خاصی با توجه به این تحلیل‌ها بر روی نمونه موردی انجام نمی‌دهد. این پژوهش قصد دارد سرتپوله را به‌عنوان یک متن از مسیر زبان‌شناسی تفسیر کرده و در نهایت، از این خروجی‌ها برای بازآفرینی آن استفاده نماید.

روش‌شناسی

با توجه به روش تحقیق که در مقدمه آمده و همگام با هفت معیار متن‌بودگی جهت بررسی در متن شهر، هر معیار، با یک تکنیک و یا ابزار در طراحی شهری متناظر شده و بدین گونه، حلقه مفقوده بین زبان‌شناسی و طراحی شهری به‌دست آمده است (تصویر ۱). به این ترتیب، پیوستگی و انسجام با تکنیک چیدمان فضا، بینامتنیت با تکنیک گونه‌شناسی، عامل نیت یا هدفمندی با مطالعات کتابخانه‌ای، عامل قبولی یا پذیرفتگی با استفاده از پرسش‌نامه رضایتمندی، پیام‌رسانی با استفاده از نقشه تصویر ذهنی و عامل موقعیت یا موقعیت‌مداری نیز با استفاده از مشاهدات میدانی و عکس‌برداری، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

متن چیست؟

هر متن ادبی، مجموعه‌ای از جملات بوده که رابطه بین این جملات نیز بر اساس قوانین خاصی است و تصادفی نیست.

رولان بارت، مسئله لذت از متن شهر را یادآوری می‌کند؛ فضایی زیبا برای تعامل با دیگران. ریموند لدورت، به جنبه‌های کالبدی این متن یعنی شهر اشاره می‌کند (۱۳۹۰ ب). شهر، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین متنی است که انسان می‌آفریند و کلان‌شهرها، کلان‌ترین متنی بوده که به دست بشر ساخته می‌شوند. در حقیقت، شهر، متن‌ها است؛ متنی که گفتمان‌های گوناگون را در خود جای می‌دهد. هیچ متنی به میزان خانه و به‌ویژه شهر، در خود پذیرای آثار و بافت‌های متنوع نیست. همین وضعیت، موجب پیچیده شدن مطالعه شهر می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۹۱).

متن بودگی و معیارهای آن

منظور از متن بودگی، کلیه ویژگی‌هایی است که متنی را به متن تبدیل کند؛ یعنی متن‌گونگی. در حالی که متن بودگی به ماحصل متن ارتباط پیدا می‌کند، متن‌سازی، به فرآیند متن، یعنی ساخت یا ساختار ربط دارد (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). هر متن با وجود معیارهای متن بودگی است که به‌عنوان یک متن شناخته می‌شود، طبق گفته بوگراند در کتاب "مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی متن"، هفت معیار متن بودگی عبارت هستند از:

پیوستگی، انسجام، بینامتنیت، عامل نیت یا هدفمندی، عامل قبولی یا پذیرفتگی، پیام‌رسانی، عامل موقعیت یا موقعیت‌مداری (شعله، ۱۳۹۰ الف: ۲۲) که در ادامه به تشریح هر معیار پرداخته شده است.

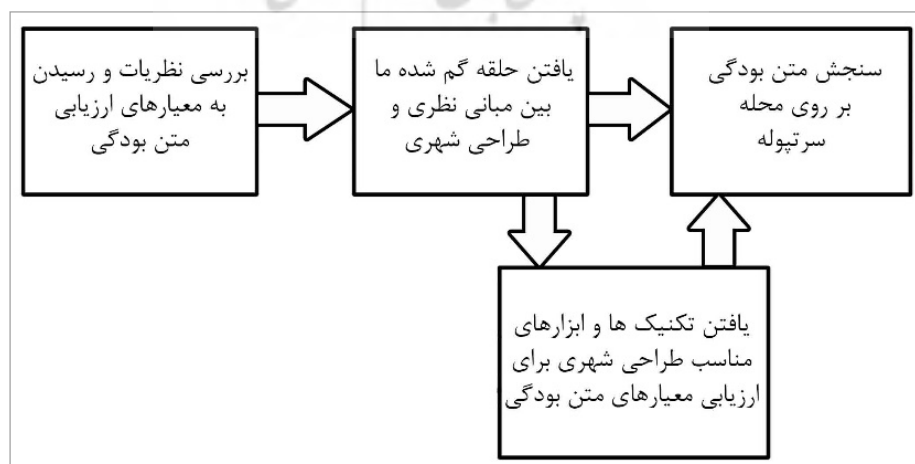
پیوستگی

نخستین معیار از هفت معیار متن بودگی، پیوستگی است. پیوستگی، عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. روابط پیوستگی در درون جمله، اغلب با

همه اجزای جملات و کلمات در متن، با سایر جملات و کلمات در ارتباط بوده و در مجموع، کلیتی یکپارچه و منسجم را به وجود می‌آورند که در آن، ارتباط بین عناصر و اجزای متن تابع اصول و قواعدی است. از این‌رو، لازم است یک متن را به‌صورت یکپارچه و نه در قالب عناصر و اجزای متن مورد بررسی قرار داد و ارتباط میان عناصر آن را سنجید. واضح است که از کنار هم قرار گرفتن تصادفی جملات، متن پدید نمی‌آید، بلکه همواره منطقی ذهنی-زبانی بین جملات یک متن برقرار است که آن را تبدیل به یک متن می‌کند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۲۰).

قرائت شهر به‌مثابه متن

در رویکرد زبان‌شناسان به معنی، افرادی همچون؛ سوسور، چامسکی، پالمر، پیرس و کوپر، نظریه‌پردازی کرده‌اند. در این رویکرد، شهرسازان، الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده و تلاش نموده ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق داده و بحث "کلمات"، "قواعد و نحو" و "معنی" را عنوان کنند؛ بدین معنی که معماری، زبانی است که شهر، متن آن است. بناها، کلمات و نشانه‌هایی بوده که جمله (شهر) یا متن را می‌سازند، اما در این دیدگاه باید توجه داشت چیزی که معنی را می‌سازد، نشانه (کلمه یا بنا) و یا نحوه ترکیب (قواعد، نحو) نیست، بلکه گفته یا کل گفته (شهر) است که معنا باید از آن مستفاد شود و در ترکیب‌بندی آن (شهر) نشانه وارد شده است (سجودی، ۱۳۸۸؛ حبیب، ۱۳۸۵). نظریه‌پردازان زیادی مفهوم متن را به شهر ربط داده و دلایل موجه بسیاری را برای اینکه شهر به‌عنوان یک متن خوانش شود، مطرح کرده‌اند. لینچ و الکساندر، نگاهی متن‌وار به شهر داشتند. نگاه گرماس از این منظر به شهر، نگاهی گفتمانی بود؛ او شهر را متنی می‌داند که باید خوانش آن را آموخت.



تصویر ۱. نمودار انجام مراحل پژوهش (نگارندگان)

روابط ساختار سازه‌ای، یعنی با روابطی که در نحو رایج هستند، هم‌پوشانی دارد. پیوستگی، رابطه دستوری بین واحدهای متن است که ترجیحاً روابط فراتر از جمله را در بر می‌گیرد (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). وقتی رابطه مفهومی بین عناصر یک متن برقرار است، آنگاه می‌توان کلیت آن متن را متنی پیوسته دانست. در واقع، تفسیر و تأویل هر یک از عناصر آن متن، به سایر عناصر وابسته است؛ یعنی بدون فهم دیگر عناصر، نه تنها سایر عناصر، بلکه کلیت متن نیز به صورت مناسب قابل درک نباشد (Holiday et al., 1984: 4). نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، نحوه برقراری ارتباط این عناصر است که این ارتباط، تنها معنایی بوده یا به ساختار نیز مرتبط می‌شود و در جایی مطرح شده که رابطه پیوستگی، رابطه معنایی بین عناصر یک متن است که مستقل از ساختار هستند. در واقع، منظور از آن این است که پیوستگی مطالب، همان تعبیر و تفسیر متن برخاسته از موقعیت‌های بیرونی و تجربیات و ذهنیت‌های ما نسبت به آن موقعیت در درک متن است (تاکا، ۱۳۷۸: ۷۳). در مقیاس شهر، این معیار، به مطالعه ساختار و استخوان‌بندی فضایی شهرها می‌پردازد. می‌توان گفت بهترین معیار برای سنجش پیوستگی، توجه به استخوان‌بندی بافت است. پیوستگی، با نحوه چیدمان عناصر شهری و ارتباط دستوری آنها سروکار دارد و انسجام، با کل روابط مفهومی که در متن شهر در جریان است. در کنار هم قرار گرفتن این دو ویژگی می‌تواند ابزاری برای شناخت ساخت کالبدی-محتوایی شهر به دست دهد (شعله، ۱۳۹۰ الف).

انسجام

انسجام متون، دومین معیار متن بودگی است. این معیار، کاملاً به معانی متن توجه کرده و روابط محتوایی آنها را بررسی می‌کند. در واقع انسجام، پیوستگی معنایی بین واژگان محتوایی متون است (همان: ۲۲). در هر متن، عوامل دیداری وجود دارند که نشان داده جمله‌ها در یک متن به هم مربوط هستند؛ به آنها "عوامل انسجام" گفته می‌شود. "انسجام" می‌تواند مطالب داخل متن را به هم مرتبط کند. در زبان‌شناسی، بخشی از معانی، از طریق عوامل دستوری و بخشی، از طریق واژگانی میسر می‌شود. در مورد انسجام متون نیز به همین صورت است؛ یعنی بخشی از انسجام، از طریق روابط دستوری و بخشی، از طریق واژگان صورت می‌پذیرد (Holiday et al., 1976: 5). معیار انسجام، به بررسی محتوا و معانی می‌پردازد، به دنبال یافتن ارتباط مفهومی، معنایی و ادراکی بین عناصر متن است و انسجام، با کل روابط مفهومی که در متن شهر در جریان بوده، مرتبط است (شعله، ۱۳۹۰ الف).

بینامتنیت

بینامتنیت، نظریه‌ای است که رابطه بین متون را کشف می‌کند. بینامتنیت، شبکه‌ای از کارکردها است که مناسبت میان متن و بینامتن را تشکیل داده و آن را تنظیم می‌کند. بینامتنیت، ارتباط مستقیمی با ناخودآگاه جمعی دارد که یونگ برای نخستین بار آن را مطرح ساخت. به اعتقاد وی، دانسته‌ها، معلومات، دانش‌ها و آنچه یک جامعه بشری در طول تاریخ حیات خود می‌داند و دارد، در مجموعه‌ای به نام نهاد ناخودآگاه جمعی نهفته هستند و این ناخودآگاه جمعی به‌طور مستقیم، در آثار شاعران و نویسندگان هم‌فکر و هم‌زبان دیده می‌شود (یوسفی و امیری، ۱۳۹۱: ۴۳۴). هیچ متنی به تنهایی بروز نمی‌کند، بلکه در بافت سایر متون قرار دارد (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). بینامتنیت، دو محور عمودی و افقی دارد؛ محور عمودی، محوری است که متن را به متون دیگر متصل کرده و دوم محور افقی که خواننده را به نویسنده متصل می‌کند (Kristeva, 1980: 61). بینامتنیت می‌تواند رابطه میان دو متن نیز باشد؛ به این صورت که بخشی از یک متن، در متنی دیگر حضور داشته باشد، بنابراین رابطه میان این دو متن، بینامتنیت محسوب می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۵۸: ۸۷). این بینامتنیت در متن شهر، به نوعی میراث به‌جا مانده از نسل‌های پیشین برای ساخت شهر است که در هر دوره‌ای، الگویی سازمند و تعیین‌شده دارد. این الگوها می‌توانند شامل بناها، قطعه‌بندی‌ها و شبکه‌گذرها و معابر بوده که ریشه در فرهنگ و تاریخ آن مکان دارند. از این‌رو، می‌توان در یک نگاه کلی چنین عنوان کرد که متن در سه مقیاس؛ بافت، عناصر بافت (واژگان) و جزئیات عناصر بافت (زیر واژگان)، به نوعی انتخاب، گزینش و بازترکیب متن‌های پیش‌تر است (شعله، ۱۳۹۰ الف).

پیام‌رسانی

پیام‌رسانی، یکی دیگر از معیارهای متن بودگی در علم زبان‌شناسی است که ارتباط نزدیکی با نشانه‌شناسی دارد. نشانه‌شناسی مشخص می‌کند که یک نشانه از چه چیزی تشکیل شده است و چه پیامی را قصد دارد منتقل کند. در واقع ما در زندگی خود، هر لحظه با خوانش رمزگان و مفاهیمی که در دنیای اطرافمان وجود دارد، در حال استفاده کردن از این دانش هستیم (دوسوسور، ۱۳۷۸: ۹۶). پیرس نیز که از نظریه‌پردازان علم نشانه‌شناسی است، نشانه را عنصری می‌داند که ما به‌ازای عنصر دیگری قرار گرفته و از این‌رو، معنایی را به ذهن متبادر می‌کند (ترکاشوند و مجیدی، ۱۳۹۲: ۷). در واقع، یک نشانه باید آن قدر در هیئت نشانه بودن خود قوی عمل

اهداف نویسنده متن را نشان می‌دهد؛ اینکه نویسنده متن چه موضعی در قبال این متن داشته و به چه صورت قصد داشته است که به این هدف خود دست پیدا کند تا به متنی پیوسته و منسجم برسد (Beaugrande et al., 1981: 8). هدفمندی را می‌توان هم در مقیاس واژگان به‌مثابه کوچک‌ترین واحد سازنده متن و هم در مقیاس بزرگ‌تر یعنی متن، بازیابی کرد (شعله، ۱۳۹۰ الف: ۲۶). معیار هدفمندی علاوه بر اینکه یکی از ویژگی‌های بارز شهرهای تاریخی بوده، در زمینه مداخلات جدیدتر در بافت نیز قابل بررسی است. فرآیند تکوین متن شهر در شهرهای تاریخی، هدفمند و آرام است و در آن ظهور هر واژه و کنار هم قرار گرفتن واژگان، از بسیاری ملاحظات، آیین‌ها، خویشی‌ها، قرابت‌های قومی و صنفی، باورها و ... تبعیت می‌کند (توسلی، ۱۳۶۸).

موقعیت‌مداری

موقعیت‌مداری، معیاری از متن بودگی است که ارتباط متن را با زمینه خود نشان می‌دهد. در ادبیات، "زمینه متن" شامل دو عنصر است؛ نخست، فضای پیرامونی مرتبط با متن یا پیرامتن و دوم، خصوصیات وضعیتی که متن در آن وضعیت اظهار می‌شود (لاینز، ۱۳۸۳: ۳۷۷-۳۴۴). بنابراین موقعیت، نشانگر اهمیت متن برای هر موقعیت ارتباطی است؛ برچسب تابلوی راهنمایی و رانندگی "آهسته-بچه‌ها-در حال بازی!". این تابلو، تنها از طریق عوامل موقعیتی قابل تعبیر است؛ یعنی این تابلوها در حاشیه خیابان‌ها و جاده‌ها نصب شده و مخاطبین آنها، رانندگان اتومبیل و اتوبوس و غیره هستند. همچنین، هرگاه دانشجویانی که در کلاس زبان‌شناسی تخصصی در درس بافت‌شناسی شرکت کنند، عوامل موقعیت به وضوح مشهود هستند. این دانشجویان انتظار نداشته که مطالبی در خصوص بافت استخوانی انسان بشنوند. بر عکس در درس بافت‌شناسی برای رشته پزشکی، بافت زبانی و موقعیتی پاره‌گفتارها مطرح نیست (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۶). طبق این معیار، باید عناصر و اجزای موجود در متن، مناسب موقعیت آن متن باشند؛ به‌طور مثال، یک واژه عامیانه، مناسب موقعیت یک متن رسمی و اداری نیست. کیفیت موقعیت‌مداری در متن شهر، نشان‌دهنده میزان ارتباطی است که کیفیت‌های کالبدی و کارکردی متن شهر با زمینه‌ای که در آن واقع شده، دارند. به دیگر معنا، مجموعه‌ای که به‌عنوان متن شهر و با معیارهای متن بودگی پیش‌گفته شناخته شد، زمانی به متکامل‌ترین حالت خود می‌رسد که در سازگاری کامل با زمینه فرهنگی، اقلیمی، محیطی، اجتماعی و کالبدی خود قرار داشته باشد (شعله، ۱۳۹۰ ب).

کرده که تنها و تنها یک مفهوم را به ذهن انسان متبادر کند؛ و از این رهگذر است که یک نشانه شکل می‌گیرد. در متن شهر، باید به رمزگشایی عناصر (واژگان اصلی) برای رسیدن به پیام مستتر در آن پرداخت. در این بخش، عناصر اصلی و واژگان پیر متن شهری می‌توانند نشانه‌های کالبدی و عملکردی موجود در شهر باشند که با رمزگشایی آنها به وسیله علم نشانه‌شناسی، می‌توان پیام مستتر در متن شهر را دریافت کرد.

پذیرفتگی

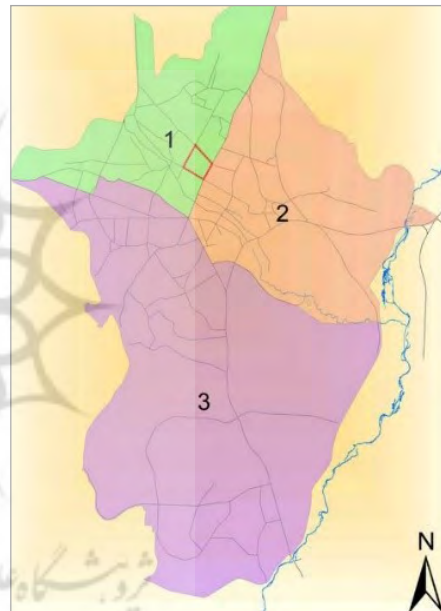
عامل قبولی، به نگرش گیرنده متن مربوط می‌شود تا متنی پیوسته و منسجم را دریافت کند (Beaugrande et al., 1981: 9). این متن، باید برای گیرنده مفید یا مناسب باشد؛ برای مثال، "دانشی را کسب کردن" یا "برای همکاری در طرحی خود را آماده ساختن". این نگرش، عواملی مانند؛ اقسام متون، بافت سیاسی یا فرهنگی و تحقق‌پذیری آرمان اهداف را در نظر می‌گیرد. در عامل قبولی، می‌توان حفظ پیوستگی و انسجام را نیز به‌عنوان هدف گیرنده متن در نظر گرفت؛ به‌صورتی که وی خودش داده‌ها را تصفیه کرده یا در صورت نیاز، اخلاص و مزاحمت‌ها را برطرف می‌سازد (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). معیار پذیرفتگی در بررسی متن بودگی شهر، معیاری است که با میزان رضایت‌مندی افراد از محیط سکونت آنها در ارتباط است؛ در واقع می‌توان چنین بیان کرد که هر چه میزان رضایت‌مندی از محیط سکونت بیشتر باشد، از این نظر، پذیرفتگی محیط برای افراد بیشتر خواهد بود (Lansing et al., 1969: 195-199). همان‌طور که در تعریف پذیرفتگی از معیارهای متن بودگی آمده است، زمانی زنجیره‌ای از کلمات را می‌توان به‌عنوان متن پذیرفت که مخاطب، آن را به‌عنوان یک متن بپذیرد. بنابراین، زمانی می‌توان یک شهر یا محله شهری را به‌عنوان یک شهر یا محله پذیرفت که ساکنان، آن را به‌عنوان یک شهر یا محله قبول داشته باشند.

هدفمندی

عامل نیت، نشانگر کلیه ابزارهایی است که تولیدکنندگان متن به‌کار برده تا اهداف خود را در متن دنبال کرده و تحقق بخشند. ممکن است در گفت‌وگوهای هدفمند، راهبردهای مختلفی به‌کار گرفته شوند؛ برای مثال، از طریق تهدید یا خواهش. نیت هر متن، با ابزاری روشن شده که آنها را پدیدآورنده متن به‌کار می‌برد تا نیت خود را مشخص کند، در ضمن، باید توافقات (قراردادها) را نیز در نظر گرفت (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). عامل هدفمندی یا نیت، در واقع

نمونه موردی

بافت تاریخی شهر سنندج به لحاظ دارا بودن قدمت، میراث کالبدی و زمین‌های متناسب با عملکرد فرهنگی، مهم‌ترین بستر کالبدی- فضایی ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شود. محله سر تپوله، یکی از قدیمی‌ترین محله‌های بافت تاریخی شهر سنندج است که در منطقه ۱ از مناطق سه‌گانه شهر قرار دارد (تصویر ۲). وجه تسمیه این محل در اصل، به دلیل استقرار محله روی تپه‌ای در مرکز اولیه شهر (میدان انقلاب) بوده که در اوایل سر تپه می‌گفتند. در گویش محلی، تپ به معنای محل بلند بوده، سر تپوله به معنای بالای بلندی است و در اعتقادی دیگر، بنا بر اظهارات آقای دکتر طبیبی

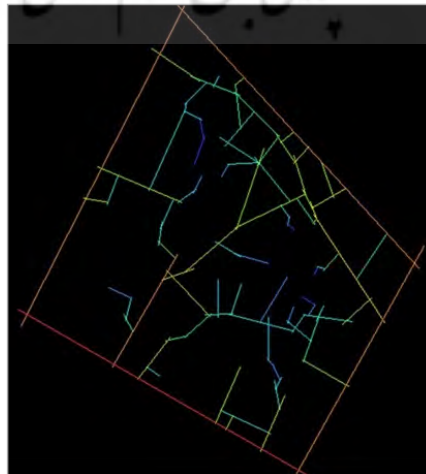
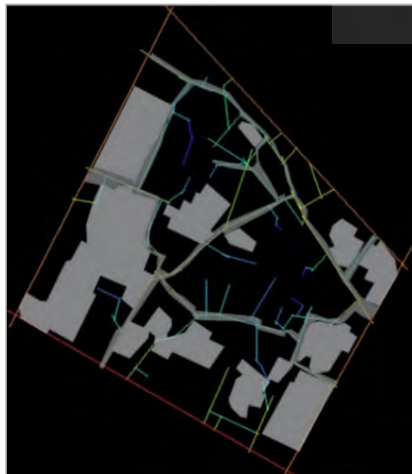


تصویر ۲. موقعیت محله سر تپوله در شهر سنندج (نگارندگان)

(۱۳۹۵) در کتاب "میانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر"، در میان عشایر کرد، سر تپوله در اصل "سر تپوه ر" بوده که در سلسله مراتب قدرت و پایگاه اجتماعی در عشایر کرد، جایگاه اول، متعلق به "تپوه ر" و جایگاه بعدی، متعلق به "سر تپوه ر" است که شاید به دلیل ارجحیت محله میان قلعه (یکی دیگر از محلات تاریخی شهر سنندج)، محله بعدی از لحاظ اعتبار و امنیت را به "سر تپوه ر" نام‌گذاری کرده‌اند. بافت محله در حال حاضر دچار فرسودگی کالبدی شده و کاربری‌های مسکونی محله در حال تبدیل شدن به کارگاه و انبارهای تجاری هستند و روند متروک و مخروبه شدن ساختمان‌های محله تشدید شده است. کمبود خدمات محله، کاهش امنیت، ضعف در نفوذپذیری و آسیب‌پذیری بافت از یک‌سو و غفلت از بافت تاریخی و نگاه موزه‌ای به فضاها و عناصر تاریخی از سوی دیگر، امکان تداوم سکونت ساکنان و مستحکم‌سازی ساختاری محله را با مشکل مواجه کرده است. در ادامه، به بحث و بررسی در مورد معیارهای متن بودگی محله در دو مقیاس خرد و کلان پرداخته خواهد شد. مطابق بلوک آماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این محله ۱۰۲۰ نفر است که از این تعداد، ۵۲۵ نفر مرد و ۴۹۵ نفر زن هستند.

پیوستگی

در این نقشه (تصویر ۳)، بر روی خروجی نرم‌افزار depth map، جایگاه واژگان بر فضاهای متن که بیشتر مسیرها بوده و واژگان بر توده‌های متن یعنی کاربری‌های مهم‌تر، مشخص شده است. مسیرهایی که به رنگ‌های گرم هستند (قرمز، زرد، نارنجی، سبز- زرد) پیوسته‌تر بوده و از این‌رو، به‌عنوان واژگان بر فضاهای متن مشخص شده و کاربری‌هایی که در سطح محله نقش مهم‌تری دارند و بر سر



- واژگان بر فضاهای متن
- واژگان بر توده‌های متن

تصویر ۳. نقشه هم‌پیوندی در سطح محله، خروجی از نرم‌افزار depth map (نگارندگان)

به یکدیگر متصل کرده تا بتوانند انسجام ساختاری متن را حفظ کنند. کمترین مقدار ارتباط همان طور که در بخش پیوستگی نیز چنین بود، مربوط به کوچه‌های بن بست است. واژگانی که از لحاظ محتوایی با متن محله در انسجام قرار نداشته، در داخل جدول نشان داده شده‌اند. این واژگان، شامل جدول ۱. واژگان محتوایی (ساختاری) متن

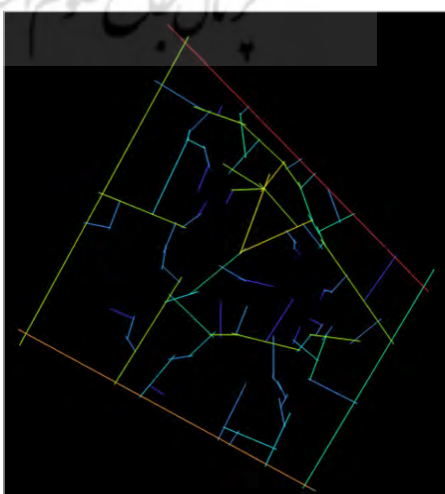
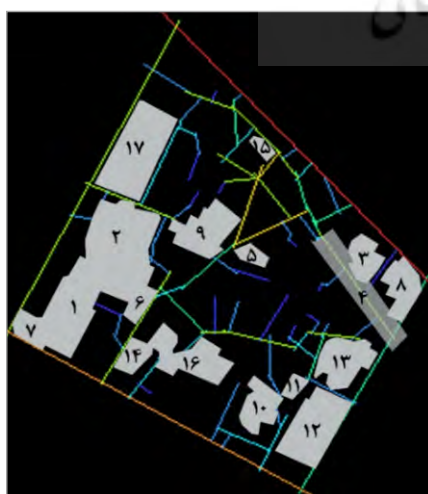
ردیف	واژه	کاربری
۱	عمارت آصف دیوان (موزه مردم‌شناسی یا خانه کرد)	فرهنگی
۲	عمارت مشیر دیوان (مرکز آموزش صنایع دستی)	اداری-فرهنگی
۳	امامزاده هاجرخاتون	مذهبی
۴	بازارچه سرتپوله	تجاری
۵	مسجد پری نسا خانم	مذهبی
۶	در پشتی عمارت مشیر دیوان	مسکونی
۷	پاساژ دیاکو	تجاری
۸	مرکز بهداشت	اداری-درمانی
۹	مدرسه	آموزشی
۱۰	مدرسه	آموزشی
۱۱	مسجد ملا جلال	مذهبی
۱۲	اداره دخانیات	اداری
۱۳	حسینیه	مذهبی
۱۴	عمارت ملک‌التجار	مسکونی
۱۵	مسجد زینلی	مذهبی
۱۶	مدرسه	آموزشی
۱۷	پارکینگ شهرداری	حمل و نقل

(نگارندگان)

این مسیرها قرار داشته، به‌عنوان واژگان پر توده‌های متن مشخص شده‌اند. به این ترتیب، مشاهده می‌شود که پیوستگی در بخش‌های میانی محله و مسیر بازارچه سرتپوله بیشتر است و واژگان مهمی که بر سر مسیرهای اصلی قرار نداشته، به نوعی از این شبکه به‌هم پیوسته دور مانده‌اند. عناصری که در بخش انسجام در جدول لیست شده، همان واژگان محتوایی متن هستند که پیوند محتوایی آنها می‌تواند موجب انسجام متن شود. سایر واژگان متن در این مقیاس، همچون منازل مسکونی و سایر کاربری‌هایی که در مقیاس کوچک‌تر کار می‌کنند، واژگان کم‌اهمیت‌تر بافت بوده که همه این‌ها در کنار هم، دستور زبان شبکه معنایی به‌هم پیوسته بافت را نشان می‌دهند.

انسجام

در نقشه فوق (تصویر ۴)، پهنه‌های خاکستری، مکان واژگان محتوایی متن را نشان داده که به ترتیب در جدول ۱ لیست شده‌اند. بالاترین میزان ارتباط، مربوط به مسیر خیابان صلاح‌الدین ایوبی در حاشیه محله است و در داخل محله، بیشترین پیوستگی‌ها، مربوط به مسیرهای اصلی‌تر محله هستند. با توجه به اینکه این مسیرها در دل محله شکل گرفته و محورهای اصلی را تشکیل داده، به مرور زمان، کاربری‌های اصلی و نقاط عطف محله بر سر این مسیرها مکان‌یابی شده‌اند و این خود به انسجام بافت کمک می‌کند. مسیرهای اصلی، کوچه بازارچه سرتپوله و کوچه یمین لشگر (تصویر ۵) با توجه به نقش خود در محله و قرارگیری نقاط خاکستری بر سر این مسیرها در نقشه، از انسجام بیشتری برخوردار هستند و این خطوط ارتباطی که با رنگ‌های گرم‌تر مشخص شده، میزان اتصال واژگان محتوایی متن را



واژگان محتوایی متن

تصویر ۴. نقشه ارتباط در سطح محله، خروجی از نرم‌افزار depth map (نگارندگان)

مدارس و کاربری‌هایی هستند که از لحاظ کالبدی، طراحی نشده بوده و ارتباط معناداری با متن محله سرتپوله ندارند. یکی از این واژگان، اداره دخانیات (تصویر ۶) بوده که در طراحی فرم کالبدی آن، از عناصر و ریز واژگان متن تاریخی و بارزش سرتپوله استفاده‌ای نشده است. جدای از اینکه این واژه، هیچ ارتباط ساختاری نیز با متن ندارد و دیواره‌های صلب آن رو به محله، همگی بسته هستند.

بینامتنیت

در این مرحله، به بررسی بینامتنیت در نقشه‌های جنس مصالح، نما و نحوه قرارگیری توده و فضا نسبت به هم در قالب گونه‌های موجود در هر یک پرداخته شده است. علاوه بر این، با تمرکز بیشتر بر روی محله سرتپوله، گونه‌شناسی اجزا و عناصر معماری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بدین وسیله، می‌توان به این نکته پی برد که در پیرامتن محله سرتپوله که چند محله مشابه آن است، چه گونه‌های مشترکی با متن محله وجود دارند و در هر کدام از هر گونه چقدر بیشتر وجود دارد تا بتوان گونه یا گونه‌های غالب را شناخت و معیار بینامتنیت را مورد ارزیابی قرار داد.

جنس مصالح به کار رفته در چهار محله، سه گونه آجر و آهن، اسکلت بتنی و اسکلت چوب است و قطعاتی که فاقد بنا هستند (تصویر ۷). مطابق رنگ‌های موجود در نقشه، اسکلت بتن در محله میان قلعه بیشتر پیدا است. این بدین معناست که نوسازی بیشتر از بقیه محلات، در آن انجام شده است. این در حالی است که همین رنگ در سرتپوله، کمتر به چشم می‌خورد و در دو محله دیگر تقریباً برابر است. گونه دیگر، اسکلت چوب است که بیشتر در محله سرتپوله دیده

می‌شود. سه پلاک بزرگ از این جنس مصالح در سرتپوله وجود دارند که سه عمارت مهم این محله یعنی؛ عمارت آصف، مشیر و یمین لشگر (شجاع لشگر) بوده که همگی واجد ارزش تاریخی هستند. دانه‌های بزرگ دیگری نیز از همین گونه نخست، در محله میان قلعه و سپس در قطارچیان هستند. گونه غالب جنس مصالح در تمامی محلات، آجر و آهن است که اکثراً جزو ساخت و سازهایی بوده که از بعد از انقلاب اتفاق افتاده‌اند. عمده نوسازی‌ها در محله میان قلعه، از جنس اسکلت بتنی است و بناهای با اسکلت چوبی، عمدتاً بناهای بارزش تاریخی هستند. رنگ نارنجی، پلاک‌های بدون بنا بوده، به جز در محله سرتپوله، در باقی محلات، این پلاک‌ها دارای کاربری هستند؛ مثل کاربری سبز یا پارکینگ و حمل و نقل. اما در محله سرتپوله به جز یک پلاک مستطیلی بزرگ در غرب این محله، همگی بناهای مخروطی‌ای بوده که بعداً توسط شهرداری پاک‌سازی شده و تبدیل به زمین خالی شده‌اند. در نقشه جنس نما (تصویر ۸)، همان‌طور که تنوع رنگ‌ها در محله ناوجار نشان می‌دهد، انواعی از گونه‌های نما در این محله وجود دارند، اما رنگ غالب، با گونه‌های سیمان، فاقد نما و سنگ است. در محله سرتپوله، یک لکه بزرگ از گونه نمای آجری وجود دارد؛ این گونه، مربوط به نمای بناهای تاریخی بوده و بیشترین تجمع آن، در محله سرتپوله است. بیشتر نماهای محله میان قلعه، سنگ و سیمان است و در محله قطارچیان همان‌طور که دیده می‌شود، در بخشی از میانه آن رنگ طوسی غالب است و در بقیه محله، ترکیبی از نمای سیمان، سنگ و آجر نما دیده می‌شود. تنها نماهای کامپوزیت موجود در حاشیه پایین قطارچیان هستند که بیشتر رو به خارج محله بوده و نمای بانک و سینما هستند. در حالت کلی، نمای غالب محله ناوجار، ترکیبی از همه نماها بوده به جز نمای آجری، محله سرتپوله، ترکیبی از انواع با غلبه



تصویر ۶. اداره دخانیات شهرستان سنندج (نگارندگان)



تصویر ۵. موقعیت محله (نگارندگان)

همین صورت است. گونه ۵ به رنگ بنفش، اصیل ترین گونه توده در میان این چند گونه است. با نگاه به نقشه، می توان دید این رنگ، بیشتر در محله سر تپوله به کار رفته است. در محله ناوجار، در قسمت جنوبی محله، بیشتر رنگ آبی (گونه ۱) به چشم خورده و در شمال محله، ترکیبی از گونه های به رنگ سبز و قرمز دیده می شود.

مطابق نقشه (تصاویر ۱۰ و ۱۱)، گونه های مختلف موجود، در چهار محله حوزه مشخص شده اند. از این شش گونه، چهار گونه از ورودی ها و پنج گونه از پنجره ها در محله سر تپوله موجود هستند. بنا بر تکرار بیشتر هر گونه در هر محله، آن گونه ها به عنوان گونه های غالب انتخاب شده اند؛ گونه ۱ (تصویر ۱۲)،

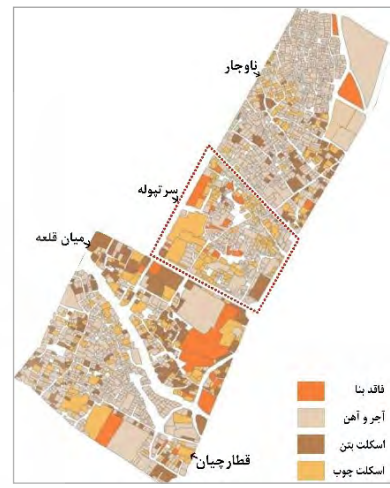
نمای سیمانی و آجری، محله میان قلعه، سنگ و سیمان و قطار چیان، فاقد نما و سنگ و سیمان است؛ با این تفاوت که در این محله، گونه هایی از نمای کامپوزیت نیز وجود دارند. بر اساس آنچه که در نقشه قرارگیری توده نسبت به فضا دیده می شود (تصویر ۹)، در محله قطار چیان در جنوب سایت، در حاشیه محله بیشتر رنگ آبی و در مرکز آن، بیشتر رنگ های سبز و زرد به چشم می خورند. با توجه به آنکه گونه های ۳، ۴ و ۵ گونه های اصیل تری در بافت تاریخی هستند، این نشانگر آن است که در مرکز محله، کمتر اقدام به نوسازی شده است و بناهایی که نوسازی شده، مطابق الگوهای مدرن و بدون توجه به الگوهای اصیل ساخته شده اند. در محله میان قلعه نیز به



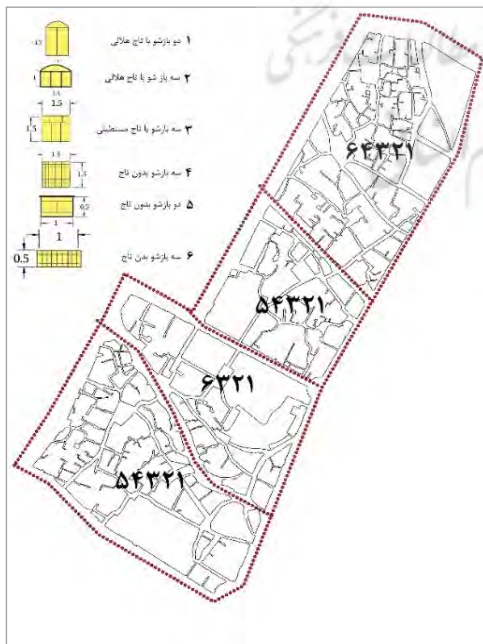
تصویر ۹. قرارگیری توده نسبت به فضا (نگارندگان)



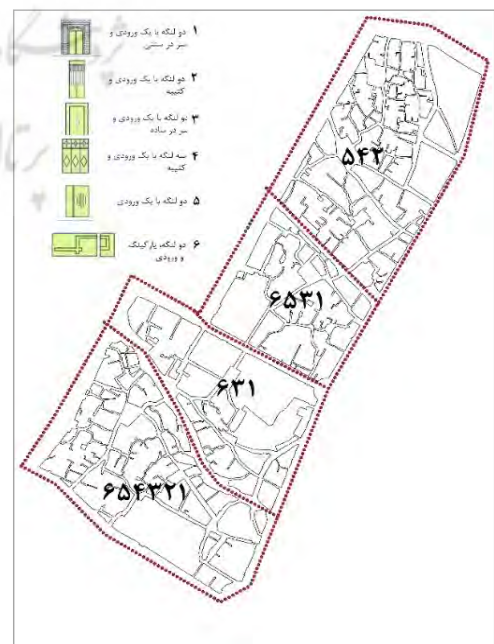
تصویر ۸. جنس نما (نگارندگان)



تصویر ۷. جنس مصالح (نگارندگان)



تصویر ۱۱. گونه شناسی پنجره ها (نگارندگان)



تصویر ۱۰. گونه شناسی ورودی ها (نگارندگان)

تعدادی از گونه‌های موجود در محلات، هم در بناهای با عمر بیشتر وجود دارند و هم از آنها در ساخت و سازهای جدید استفاده شده است. در عین حال، گونه‌ای همچون گونه ۳، فقط در ساخت و سازهای جدید مورد استفاده قرار گرفته است و در کنار آن گونه دیگری همچون گونه ۶، تنها در بناهای با عمر زیاد وجود دارد. این به معنای خوب یا بد بودن هیچ کدام از گونه‌ها نیست، بلکه یک نوع مقایسه برای شناسایی گونه‌های اصیل‌تر در بافت‌های تاریخی جهت استفاده در نوسازی‌ها است.

در نقشه نحوه پراکنش، گونه‌های مختلف پنجره‌ها، در چهار محله مد نظر آمده‌اند. با توجه به اینکه گونه‌های اصیل‌تر نه فقط در بناهای تاریخی، بلکه در بناهای جدید نیز وجود دارند، بنابراین، تنوعی از پخشایش انواع گونه‌ها در سطح محلات مشاهده می‌شود.

پیام‌رسانی

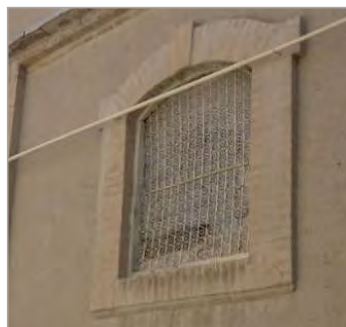
با توجه به جمعیت محله سر تپوله در سال ۱۳۹۰ که ۱۰۲۰ نفر است، تعداد ۱۰۰ نقشه تصویر ذهنی بر اساس نظر پژوهشگر

در واقع اصیل‌ترین گونه ورودی در بین محلات بافت تاریخی سنندج است، ورودی عمارت‌های آصف و مشیر و سایر بناهای تاریخی و باارزش این محلات، در داخل این گونه قرار می‌گیرد. گونه ۶، مربوط به نوسازی‌هایی می‌شود که اخیراً در محله انجام شده‌اند، در، ترکیبی از دو ورودی است که یک بخش آن را ورودی اتومبیل تشکیل می‌دهد. هر گونه‌ای در دوره خاصی، مطابق با بنای مورد نظر ساخته شده است؛ اما با توجه به نقشه اصالت گونه‌ها در محله نواجار کمتر است و گونه‌های نوساز نیز هم‌خوانی با گونه‌های قدیمی‌تر و اصیل‌تر ندارند.

در نقشه پراکندگی گونه‌های پنجره‌ها، اصیل‌ترین نوع گونه‌ها، گونه‌های ۱ و ۲ هستند (تصویر ۱۳) که دارای تاج هلالی بوده و در خانه‌های تاریخی استفاده شده‌اند؛ البته در نوسازی‌های انجام‌شده در محلات نیز سعی شده است که از این گونه‌ها مطابق نیاز روز استفاده شود. سایر گونه‌ها نیز در نوسازی‌های انجام‌شده در محله استفاده شده‌اند؛ همچون گونه ۵ که در بناهای با عمر تا ۳۰ سال استفاده شده و در بناهایی که اخیراً از نو ساخته شدند نیز از آنها بهره گرفته شده است. با توجه به تصاویر بالا می‌توان نتیجه گرفت که



تصویر ۱۲. نمونه‌هایی از گونه ورودی‌های اصیل (گونه ۱ ورودی) (نگارندگان)



تصویر ۱۳. نمونه‌هایی از گونه‌های پنجره‌های اصیل (گونه‌های ۱ و ۲) در بناهای جدید و قدیم (نگارندگان)

عمارت آصف دیوان، پاساژ دیاکو و اداره دخانیات، به ترتیب واژگان بعدی با امتیازهای بالاتر هستند. می توان گفت بازارچه سرتپوله علاوه بر اینکه یک نشانه عملکردی قوی است، از نظر کالبدی نیز بر اساس عملکرد خاص خود توانسته با زمینه خود متمایز باشد (تصاویر ۱۴ تا ۱۸).

امامزاده هاجر خاتون، تنها یک نشانه عملکردی است؛ حضور بیشتر آن نسبت به سایر واژگان در نقشه های شناختی، نشان



تصویر ۱۴. سر در عمارت آصف دیوان و موزه مردم شناسی سنندج (خانه کرد) (نگارندگان)



تصویر ۱۵. بازارچه سرتپوله (نگارنگان)



تصویر ۱۶. اداره دخانیات شهرستان سنندج (نگارندگان)

از ساکنین محله و مراجعه کنندگان به محله جهت فعالیت های غیر از سکونت همچون؛ سفرهای زیارتی (امامزاده هاجر خاتون)، تجاری (بازارچه سرتپوله) و فرهنگی (موزه مردم شناسی و صنایع دستی) پر شده اند. بر اساس جدول ۲، تعداد دفعاتی که مخاطبان به هر واژه به عنوان یک نشانه اشاره کرده اند آمده است و در نهایت، واژگانی که بیشترین دفعات تکرار در نقشه های تصویر ذهنی را داشته، به عنوان واژگان نشانه ای متن انتخاب شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

از کل واژگان محتوایی و ساختاری متن محله سرتپوله، تنها ۵ واژه از بین ۱۰۰ نقشه تصویر ذهنی، بیشتر از ۲۰ بار مورد اشاره مخاطبان قرار گرفته اند. بازارچه سرتپوله و امامزاده هاجر خاتون، بالاترین امتیازها را کسب کرده اند. بعد از آنها،

جدول ۲. واژگان محتوایی (معنایی) متن

تعداد تکرار در نقشه های شناختی	واژه	
۳۹	عمارت آصف دیوان	۱
۱۳	عمارت مشیر دیوان	۲
۵۴	امامزاده هاجر خاتون	۳
۶۲	بازارچه سرتپوله	۴
۱۰	مسجد پری نسا خانم	۵
۹	در پشتی عمارت مشیر دیوان	۶
۳۸	پاساژ دیاکو	۷
۴	مرکز بهداشت	۸
۷	مدرسه	۹
۶	مدرسه شهید تعریف	۱۰
۱۲	مسجد ملا جلال	۱۱
۲۲	اداره دخانیات	۱۲
۶	حسینیه	۱۳
۳	عمارت ملک التجار	۱۴
۶	مسجد زینلی	۱۵
۴	مدرسه شهید کرانی	۱۶
۱۴	پارکینگ شهرداری	۱۷
۳	کوچه سرتپوله	۱۸
۱۲	کوچه یمین لشگر	۱۹

(نگارندگان)

با وجود تمایز کالبدی که سردرهای عمارت‌های تاریخی دیگر با زمینه خود دارند، تکرار آنها در نقشه‌های شناختی کم بوده است. یکی از دلایل آن، ارتباط ضعیف این بناها با ساختار بافت و عدم وجود انسجام ساختاری است. از این سردرهای شاخص، می‌توان به سر در عمارت مشیر دیوان و سر در پشتی عمارت مشیر دیوان اشاره کرد (تصاویر ۱۹ و ۲۰).

پذیرفتگی

رضایت‌مندی از محیط مسکونی، می‌تواند یکی از دلایل پذیرفتگی متن یک محله از جانب مخاطبان باشد. بر این اساس، کیفیت‌های محیط زندگی در قلمروهای زیست‌محیطی، کالبدی، امنیت، اجتماعی، دسترسی و زیبایی‌شناختی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین در این بخش از شناخت و تحلیل نمونه موردی، به بررسی رضایت از متن محله سرپوله پرداخته شده است. در این راستا، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. فرض H_1 رضایت شهروندان از شاخص‌های کیفیت

از اهمیت این واژه به‌عنوان یک نشانه عملکردی در اذهان عمومی است. عمارت آصف، یک نشانه عملکردی و یک نشانه کالبدی است. این واژه که موزه مردم‌شناسی شهر نیز است، بر سر یکی از مسیرهای پر رفت و آمد تجاری شهر (خیابان امام خمینی) قرار گرفته و سر در ورودی آن با معماری شاخص خود توانسته خود را تبدیل به یک نشانه کالبدی در متن محله کند. اداره دخانیات و پاساژ دیاکو دو واژه‌ای هستند که می‌توان گفت در طول عمر این متن به آن اضافه شده‌اند. اداره دخانیات، یک نشانه عملکردی است؛ از دید کالبدی نیز با زمینه خود متمایز بوده، اما می‌توان گفت این تمایز، یک تمایز مطلوب و هم‌خوان با زمینه واژه نیست. اما پاساژ دیاکو به‌رغم اینکه یک واژه جدید ملحق شده به متن است، از لحاظ کالبدی و عملکردی توانسته با زمینه خود ارتباط برقرار کند؛ به‌گونه‌ای که حتی این ارتباط با زمینه را می‌توان در نام‌گذاری آن نیز دید. بنابراین توانسته است به‌عنوان یک نشانه در متن محله و در متن شهر، به خوبی ایفای نقش کند.



تصویر ۱۸. امام‌زاده هاجر خاتون (نگارندگان)



تصویر ۱۷. پاساژ دیاکو (نگارندگان)



تصویر ۲۰. سر در پشتی عمارت مشیر دیوان (نگارندگان)



تصویر ۱۹. سر در عمارت مشیر دیوان (نگارندگان)

و باریک و بدون نظارت اجتماعی و فضاهای مخروبه اشاره کرد که تبدیل به فضاهایی غیرقابل دفاع شده‌اند و همچنین عدم وجود نورپردازی مناسب در شب و معضلات اجتماعی همچون اعتیاد در محله.

عدم رضایت از بعد کالبدی، می‌تواند به دلایلی همچون؛ کیفیت و جهت‌گیری بناها، کیفیت نامناسب معابر و فضاهای متروکه باشد. پایین آمدن شأن اجتماعی محله‌ای که زمانی باعث شکل‌گیری شهر شده است، می‌تواند دلایلی مرتبط با امنیت و کالبد محله داشته باشد؛ به طوری که افراد جوان، مایل به سکونت در محله نیستند. با تنزل ارزش اجتماعی و کم‌جمعیت و در نتیجه کم‌فعالیت شدن بافت، سطح امنیت آن نیز پایین می‌آید. در بعد زیبایی‌شناختی، می‌توان عامل رضایت‌مندی را وجود جداره‌های تاریخی و نوسازی‌های انجام‌شده هماهنگ با بافت تاریخی دانست. به این ترتیب، می‌توان گفت که متن محله سرتپوله از نظر معیار پذیرفتگی، ضعیف ارزیابی می‌شود.

هدفمندی

شهر سنندج در سال ۱۰۴۶ هجری قمری، در محل روستای "سنه" به دستور سلیمان خان اردلان بنا نهاده شد. نخستین بنای این شهر، بر فراز تپه‌ای به ارتفاع ۲۰ متر با انگیزه‌های نظامی و سیاسی ایجاد شده است (تصویر ۲۱). این بنا، قلعه‌ای است که اکنون با نام باشگاه افسران در محله میان قلعه ساخته شده است. تا سال ۱۱۳۲ هجری قمری، شهر به همین صورت به حیات خود ادامه داد؛ از این زمان به بعد، مسجد و مدرسه‌ای در جانب مرکز حکومتی قرار گرفته است. در سال ۱۱۶۴ هجری قمری به دلیل سرپیچی

محیط زندگی بوده و فرض H_0 عدم رضایت شهروندان از شاخص‌های کیفیت محیط زندگی در متن محله سرتپوله است. تعداد نمونه مورد مطالعه بر اساس جمعیت سال ۹۰ محله سرتپوله، ۱۰۲۰ نفر بوده و طبق آزمون کوکران با خطای ۵ درصد، ۲۷۸ نفر به‌دست آمده است. در این آزمون، در صورت کمتر شدن مقدار سطح معناداری از ۰/۰۵ و همچنین بالاتر بودن از حد متوسط، فرض H_1 تأیید شده و در صورت بالاتر بودن مقدار سطح معناداری از ۰/۰۵ و پایین‌تر بودن میانگین از حد متوسط، فرض H_0 تأیید می‌شود (جدول ۳). در شاخص زیست‌محیطی، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و به میزان ۱/۰۴۴۱۹- پایین‌تر از سطح متوسط است؛ به این ترتیب، فرض H_1 مبنی بر رضایت ساکنین، رد شده و فرض H_0 مبنی بر عدم رضایت ساکنین، تأیید می‌شود. در بعد کالبدی، سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است و به مقدار ۰/۶۷۵۶۳- پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد؛ بنابراین همچون مورد قبل، فرض H_1 رد شده و فرض H_0 تأیید می‌شود. در این میان، تنها شاخص زیبایی‌شناختی است که ۳/۷۷۱ بالاتر از سطح متوسط قرار دارد و در این مورد، فرض H_1 مبنی بر رضایت ساکنین از متن، تأیید شده و فرض H_0 مبنی بر عدم رضایت آنان، رد می‌شود. نتایج آزمون در بعد زیست‌محیطی با توجه به سوالات پرسش‌شده از شهروندان، بیانگر این هستند که در سطح محله، مشکلاتی در زمینه دفع پسماندها و آلودگی صوتی وجود داشته که با توجه به مسئله پارکینگ‌های غیررسمی در سطح محله و نفوذ کاربری‌های تجاری به داخل محله، این مسائل دور از انتظار نیستند و در سطح محله می‌توان گفت هیچ‌گونه فضای سبز عمومی مشاهده نمی‌شود. در زمینه امنیت، می‌توان به وجود کوچه‌های تنگ

جدول ۳. تحلیل شاخص‌های پذیرفتگی در نرم‌افزار SPSS)

Test Value = 3						شاخص‌ها			
فاصله اطمینان (۰/۰۹۵)		میانگین تفاوت‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	t				
بالاترین	پایین‌ترین								
-	۰/۹۷۳۹	۱/۱۱۴۵	-	۱/۰۴۴۱۹	۰/۰۰۰	۲۷۸	-	۲۹/۲۲۲	زیست‌محیطی
-	۰/۵۸۷۵	۰/۷۶۳۷	-	۰/۶۷۵۶۳	۰/۰۰۰	۲۷۸	-	۱۵/۰۹۴	کالبدی
-	۰/۸۵۰۸	۱/۰۱۵۵	-	۰/۹۳۳۱۵	۰/۰۰۰	۲۷۸	-	۲۲/۲۹۶	امنیت
-	۰/۲۵۰۷	۰/۴۶۶۱	-	۰/۳۵۸۴۲	۰/۰۰۰	۲۷۸	-	۶/۵۵۱	اجتماعی
-	۰/۱۴۷۷	۰/۳۶۱۳	-	۰/۲۵۴۴۸	۰/۰۰۰	۲۷۸	-	۴/۶۹۱	دسترسی
	۰/۰۸۴۹	۰/۸۴۹		۰/۱۷۷۵۶	۰/۰۰۰	۲۷۸		۳/۷۷۱	زیبایی‌شناختی

نگارندگان)

حکام کردستان، حکومت کریم‌خان زند به شهر حمله کرده و آن را ویران نمودند. با روی کار آمدن سلسله قاجار، شهر بیشتر مورد توجه قرار گرفت و توسعه یافت. با آغاز حکومت امان‌اله خان اردلان، اصلاحات زیادی برای عمران و آبادانی شهر صورت گرفتند و به این ترتیب تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری، فرم کالبدی شهر تغییری نکرد و از بعد از آن، بازار، مساجد، محلات، مراکز خدمات و گذرهای اصلی و فرعی، به کالبد شهر افزوده شدند (شرکت مهندسين مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸: ۸).

تا سال ۱۳۰۰ ه.ش.، سنندج، محدود به محلات قدیمی احاطه‌شده در میان باغ‌ها و مزارع بود که از طریق جاده‌ها و گردنه‌های صعب‌العبور، با شهرهای اطراف ارتباط داشت. بر اساس آنچه در نقشه سال‌های ۱۳۰۰ به بعد دیده می‌شود (تصویر ۲۲)، محله سرتپوله به نوعی کلیت خود را در ساختار فضایی سنندج آن دوران مشخص کرده است که کاربری‌های مهمی مثل؛ شهربانی، دادگستری و غیره در داخل آن وجود داشته‌اند. در سال ۱۳۲۷ با احداث خیابان صلاح‌الدین ایوبی و شهدا، از اهمیت محله سرتپوله کاسته شد. در طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، توسعه شهر منطبق بر طرح جامع انجام گرفته و خیابان‌های عریض‌تر به‌صورت شطرنجی، برای تسهیل عبور وسایط نقلیه ایجاد می‌شوند. از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۴ ه.ش.، مجموعه‌ای از بافت‌های ارگانیک و خودرو ناشی از میزان افزایش جمعیت با نرخ بالا و مهاجرت بی‌رویه روستاییان، در جوار روستاهای اطراف شهر و حاشیه خارجی آن شکل گرفتند و توسعه افقی سنندج رقم خورد. در اواخر سال ۱۳۶۴ ه.ش. به دلیل گسترش سریع شهرها و عدم سازگاری طرح‌های مذکور با معیارهای شهرسازی و

توسعه شهری با اتخاذ سیاستی همه‌جانبه جهت سامان‌دهی و هدایت توسعه‌های جدید، طرح‌های آماده‌سازی، به مقوله فراگیری تبدیل شده و با اجرای کلیه زیرساخت‌ها و روبناهای شهری، شهرک‌های جدید شکل گرفتند. بعد از انقلاب، رشد پراکنده شهرها ادامه داشت که منجر به متروک شدن بافت تاریخی شهر و از جمله محله سرتپوله شده است (تصویر ۲۳). می‌توان گفت آغاز دور شدن از معیار هدفمندی در متن محله سرتپوله، از سال ۱۳۳۷ ه.ش. و با روی کار آمدن طرح‌ها و برنامه‌های غیربومی بوده و بعد از انقلاب، رشد شتاب‌زده و بی‌رویه شهرنشینی، یکی دیگر از دلایل بی‌هدفی توسعه شهر بوده است. با توجه به اینکه سرتپوله در مرکز تاریخی شهر قرار دارد، تا سال ۱۳۷۸ ه.ش. که نخستین طرح‌های مربوط به بافت فرسوده (طرح تفصیلی ۱۳ هکتاری بافت قدیم شهر سنندج- مهندسين مشاور طرح و بنا- ۱۳۷۸) ارائه شد، این محلات به حال خود رها شده بودند و عملی برای توسعه و بهبود آنها انجام نشده بود. از این سال به بعد، طرح‌های دیگری برای توسعه و بهبود بافت فرسوده و به‌ویژه محله سرتپوله که به‌عنوان یک محله تاریخی نیز به ثبت رسیده است تنظیم شدند، اما در حد طرح‌های موضعی از قبیل؛ سامان‌دهی مسیر بازارچه سرتپوله و ارائه ضوابط و مقرراتی در جهت محدودیت‌های نوع ساخت ورودی و پنجره‌ها و انتخاب نماهای ساختمانی، انجام شده است.

موقعیت‌مداری

موقعیت‌مداری یعنی خوش‌نشستن در جایگاه جغرافیایی، اجتماعی و تاریخی یک متن و در مورد محله نیز این معیار صادق است. اینکه تا چه حد ساخت و سازها با اقلیم و توپوگرافی



تصویر ۲۲. ساختار کالبدی- فضایی محله سرتپوله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش. (شرکت مهندسين مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸)



تصویر ۲۱. نقشه شهر سنه در سال ۱۰۴۶ ه.ش. (شرکت مهندسين مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸)

محلّه است و به همین ترتیب ارتفاع کم شده تا به خیابان طالقانی می‌رسد. بنابراین، شیب خیابان‌های صلاح‌الدین ایوبی و امام خمینی، به صورت یکنواخت به سمت خیابان طالقانی است. یک نقطه مرتفع در حاشیه خیابان صلاح‌الدین ایوبی وجود دارد که در واقع همان تپه مشهود سر تپوله است که مرتفع‌ترین نقطه گذر سر تپوله نیز در آنجا قرار می‌گیرد. کوچه‌هایی که از این نقطه به خیابان صلاح‌الدین متصل شده، این شیب یک‌باره و شدید را به وسیله پله و شیب تند به خیابان وصل کرده‌اند (تصویر ۲۵). در این بخش می‌توان گفت این شیب شدید تپه مهار شده است، اما آن سمت از شیب که به داخل محلّه بوده، در حال حاضر بدون کاربری و به صورت زمین مخروبه، باقی مانده است (تصویر ۲۶).

با توجه به عکس‌ها، به وضوح دیده می‌شود که وضعیت مهار کردن شیب در داخل محلّه مناسب نیست. بخش عمده

زمین هماهنگ هستند. ساخت و سازهای جدید تا چه حد تابع ارزش‌های تاریخی متن بوده‌اند که در بخش بینامتنیت نیز به وسیله تکنیک گونه‌شناسی، به این بحث پرداخته شد. در بحث اجتماعی با استفاده از مشاهدات میدانی و عکس‌برداری، می‌توان به این نتیجه رسید که تا چه اندازه رفتارهایی که در محلّه اتفاق می‌افتند با موقعیت آن به عنوان یک محلّه مسکونی که دارای ارزش تاریخی است، هماهنگ و هم‌خوان هستند. در این راستا، نخست به بررسی نقشه‌های توپوگرافی و شیب و به تحلیل آنها در زمینه محلّه و مناسبت ساخت و سازها در محلّه با موقعیت شیب و توپوگرافی پرداخته شده است.

از منظر جغرافیایی

در نقشه توپوگرافی (تصویر ۲۴)، مرتفع‌ترین نقاط، به رنگ قهوه‌ای سوخته است. موازی خیابان شهدا، مرتفع‌ترین بخش



تصویر ۲۴. توپوگرافی محلّه سر تپوله (نگارندگان)



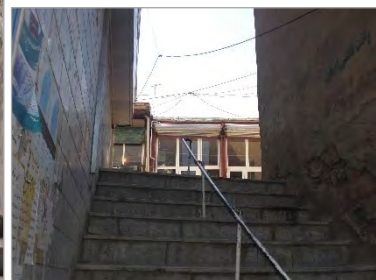
تصویر ۲۳. ساختار کالبدی- فضایی محلّه سر تپوله در سال ۱۳۳۷ ه.ش. (نگارندگان)



تصویر ۲۶. وضعیت شیب تپه در داخل محلّه (نگارندگان)



تصویر ۲۵. ورودی‌های پلکانی از سمت خیابان صلاح‌الدین (نگارندگان)



آن، به زمین خالی و محل دفع زباله تبدیل شده و منظر نامناسبی را در محله سرتپوله ایجاد کرده است. این به معنای عدم استفاده از موقعیتی بوده که شیب برای محله ایجاد کرده است. نظر به اقلیم منطقه که سرد و کوهستانی است، بناها باید از حداکثر نورگیری برخوردار باشند و جهت‌گیری مناسب برای ساختمان‌ها در اقلیم سرد، به سمت جنوب شرقی است؛ زیرا در صبح، خورشید زودتر به ساختمان تابیده و در غروب نیز دیرتر نورگیری ساختمان به پایان می‌رسد و بهترین نوع پلان برای ساختمان‌ها، حیاط مرکزی با ارتفاع حداکثر دو طبقه و ایوان دار است که خانه بتواند در تمام طول روز از نور خورشید بهره‌مند باشد. این چنین بناهایی در محله سرتپوله، فقط مربوط به بناهای تاریخی و بارزش معماری است و بناهای جدید با همان شیوه معمول ساختمان‌سازی ساخته شده‌اند. این‌ها به معنای عدم وجود موقعیت‌مداری در اوضاع جغرافیایی محله است. نکته دیگر اینکه تنها دید و منظر راهبردی از محله تاریخی سرتپوله از بالای این تپه، رو به کوه آبیدر بوده که هیچ تمهیدی نیز برای حفظ این دید و منظر در محله انجام نشده است.

از منظر اجتماعی

محله سرتپوله به‌عنوان یک محله تاریخی که در مرکز شهر قرار دارد و یکی از مهم‌ترین بازارچه‌های شهر نیز در

درون آن است، باید ویژگی‌های اجتماعی خود را در موقعیت و جایگاه یک محله حفظ کند. با نگاه به عکس‌ها می‌توان مشاهده کرد که درون کوچه‌های محله، تعاملات اجتماعی در حد پایینی وجود دارند و این خود عاملی برای تشدید ناامنی اجتماعی در فضا است. زمین خالی بزرگی نیز که در میانه محله قرار دارد، زمانی یک مخروبه بود که تبدیل به فضایی غیرقابل دفاع و محل بیتوته معتادین و بی‌خانمان‌ها شده بود. بعدها با اعتراض ساکنین، فضا توسط شهرداری کاملاً تخریب و تخلیه شد و در حال حاضر فعالیت‌هایی که در آن رخ داده، چیزی جز پارک اتومبیل‌ها نیست (تصویر ۲۷). این در حالی است که تنها زمین‌های خالی نیستند که تبدیل به پارکینگ شده، بلکه کوچه‌های محله نیز تبدیل به فضای پارکینگ برای کسانی که از بازار خرید کرده (تصویر ۲۸) و یا حتی کسبه بازار، شده‌اند (بازار سنندج در نزدیکی محله قرار دارد).

با توجه به اینکه کوچه سرتپوله که از خیابان طالقانی با بازارچه پارچه‌فروشی شروع شده و به خیابان شهدا می‌رسد، یک گذر تجاری تاریخی است، در داخل خود محله دیگر هیچ مغازه تجاری برای فروش نیازهای روزانه و غیره وجود ندارد و این در حالی است که مابقی گذر سرتپوله به‌جز بخشی که مربوط به پارچه‌فروشی است و در سطح شهر کار می‌کند، تبدیل به مکانی با امنیت و سطح اجتماعی پایین شده است



تصویر ۲۷. کوچه‌های خالی از تعاملات اجتماعی (نگارندگان)



تصویر ۲۸. تبدیل شدن کوچه‌ها و زمین‌های خالی به پارکینگ (نگارندگان)

و مغازه‌هایی همچون؛ پرندفروشی، قهوه‌خانه و غیره در آن جای گرفته و هیچ کدام از مغازه‌هایی که در این گذر وجود دارند برای رفع نیاز ساکنین نبوده و رفتارهای اجتماعی خاصی که در این کوچه اتفاق می‌افتند، خود دلیلی بر عدم وجود معیار موقعیت‌مداری در متن محله سرتپوله است. محله سرتپوله به‌عنوان یک محله مسکونی، باید موقعیت اجتماعی مناسب برای بروز تعاملات اجتماعی و امنیت در انجام این رفتارها باشد؛ به‌طور مثال در بازارچه سرتپوله، رفتار خرید و تجمع زیاد مردم وجود دارد که این رفتار، مناسب موقعیت این گذر به‌عنوان یک گذر تاریخی و تجاری است. محله سرتپوله به‌عنوان یک محله تاریخی برای شهر

سنندج، هویت‌ساز است و بناهای تاریخی بسیاری در آن وجود داشته که امروزه تبدیل به کاربری‌های فرهنگی مهمی نه‌تنها در سطح شهر، بلکه منطقه کردستان شده‌اند. چنین کاربری‌های فرهنگی که جاذبه توریستی دارند، در چنین موقعیت نامناسب و ناامنی قرار گرفته که حتی از دیدگاه کالبدی نیز نتوانسته‌اند موقعیت‌مدار باشند. بنابراین تقویت این معیار در سطح محله، می‌تواند منجر به اجتماع‌پذیری بافت به صورتی شود که نه‌تنها خود ساکنین در کوچه‌ها و فضاها حضور پیدا کنند، بلکه افرادی نیز که به قصد جاذبه‌های توریستی و گردشگری وارد بافت شده، در درون بافت حضور پیدا کرده و به فعالیت و تعامل بپردازند.

نتیجه‌گیری

هر یک از این اجزا و عناصر محله سرتپوله، واژگانی از یک متن کهن هستند که دیرزمانی به‌عنوان متنی منسجم و ساختاریافته در پیرا-متن خود (سایر محلات شهر) ایفای نقش می‌کرده، اما امروزه با رنگ باختن واژگان کلیدی آن و رنگ یافتن واژگان نامأنوس در آن، دچار ضعف و آشفتگی ساختاری و محتوایی شده است. آشفتگی ساختاری محله چنان که از نقشه همپیوندی بافت محله پیداست؛ معلول ضعف سازمان فضایی مهم ترین مسیرهای محله (استخوان بندی اصلی محله) و در انزوا قرارگرفتن واژگان و گسست فضایی و قطع ارتباط آنها با ساختار اصلی است. عدم انسجام واژگان اصلی بافت و ارتباط ضعیف مهم ترین واژگان کلیدی بافت همچون عمارت ملک التجار از نظر معنایی و محتوایی با متن ضعف محتوایی بافت را موجب شده است. بسیاری از این واژگان زمانی به‌عنوان واژه‌ای کلیدی و نشانه‌ای هویت‌مند در معنابخشی و خوانایی این متن نقش داشته در حالی که امروزه به سبب ضعف در پیوستگی و انسجام فضایی در متن محله مهجور مانده و واژگان الحاقی دیگری همچون اداره دخانیات که در بررسی بینامتنیت نیز ارتباطی با پیرا-متن نداشته، تبدیل به نشانه‌ای شده‌اند که حامل و ناقل پیامی از متن نیستند. سنجش معیار پذیرفتگی در قالب بررسی رضایت‌مندی از بافت محله نشان‌دهنده مشکلات عمده بافت و از جمله ضعف امنیت آن است. این معضل با توجه به رضایت نسبی از کیفیت زیبایی شناختی بافت ضرورت اقدامات مبتنی بر بازآفرینی محله را ایجاب می‌کند. حفظ نقش و یکپارچگی یک متن در گذر زمان به‌رغم تحولاتی که بر خود می‌بیند، با معیار هدفمندی سنجش می‌شود. محله سرتپوله بعد از سال ۷۳۳۱ با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های غیربومی و رشد شهرنشینی بعد از انقلاب، از این معیار فاصله گرفته و به مرور دچار ضعف و ناهماهنگی شده است. افزون بر آن، در محله سرتپوله همچون بسیاری دیگر از محلات و شهرک‌های شهر سنندج، معیار موقعیت‌مداری در قالب بحث جغرافیایی و توپوگرافی، مورد توجه کافی قرار نگرفته است در حالی که بستر تپه ماهوری شهر سنندج، توجه به این مورد را در ساخت و سازهای شهری ضرورت ویژه می‌بخشد. به لحاظ اجتماعی نیز تلاشی برای اجتماع پذیر نمودن دوباره بافت محله سرتپوله انجام نشده است. در مجموع، متن بودگی محله سرتپوله به‌عنوان یکی از محلات تاریخی و باارزش شهر سنندج که دچار فرسودگی است، ضعیف ارزیابی می‌شود و با توجه به اهمیت این گونه بافت‌ها در متن شهرها، ارائه اصول و روش‌هایی برای مطالعه و مداخله در آنها لازم و ضروری می‌نماید.

پی‌نوشت

منابع و مآخذ

- البرزی، پرویز (۱۳۸۶). *مبانی زبان‌شناسی متن*. تهران: امیرکبیر.
- تاکی، گیتی (۱۳۷۸). پیوستگی و هم‌بستگی متن یا انسجام و ارتباط مطالب در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۱۴ (۲۷ و ۲۸)، ۸۱-۷۳.
- ترکاشوند، عباس و مجیدی، سحر (۱۳۹۲). بازشناسی برخی نشانه‌ها در فضاهاى شهری. *نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، سال پنجم (۶)، ۱۵-۵.
- توسلی، محمود (۱۳۶۸). *طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد*. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. *نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا*، ۲۵ (۲۵)، ۱۴-۵.
- دوسوسور، فردینان (۱۳۷۸). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کورش صفوی، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران: نشر علم.
- شعله، مهسا (۱۳۹۰ الف). "بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زبان‌شناختی". رساله دکتری، شهرسازی. تهران: پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۰ ب). *معیارهای متن بودگی شهر و روش‌شناسی تحلیل آن*. *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، (۴۸)، ۳۲-۱۹.
- طبیبی، حشمت‌الله (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*. چاپ نهم، تهران: دانشگاه تهران.
- لاینز، جان (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی*. ترجمه حسین واله، چاپ دوم، تهران: گام نو.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). *درآمدی بر سخن‌کاوی*. *مجله زبان‌شناسی*، ۱ (۱۰)، ۱۴۷-۱۲۰.
- شرکت مهندسین مشاور فجر توسعه (۱۳۸۸). *طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر سنندج*. مطالعات راهبردی، گزارش سطح اول. تهران: شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۵۸). *پیرامنتیت یا متن‌های ماهواره‌ای*. *مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. به اهتمام دکتر حمیدرضا شعیری. تهران: فرهنگستان هنر. ۹۸-۸۳.
- _____ (۱۳۹۱). *تأملی در معنای شهر*. <https://www.entekhab.ir/fa/news> بازبایی شده در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۶.
- یوسفی، رضا و امیری، لیلا (۱۳۹۱). *بینامتنیت در غزلیات حاج ملا هادی سبزواری و حافظ*. *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان*. جلد دوم. ۴۵۱-۴۳۳.
- De Beaugrande, R. & Dressler, W. (1981) **Introduction to text linguistics**. Harlow: Longman.
- Halliday, M. A. K. & Hasan, R. (1976). **Cohesion in English**. London: Longman.
- _____ (1984). **Cohesion in English**. London: Longman.
- Kristeva, J. (1980). **Desire in Language: A Semiotic Approach to Literature and Art**. New York: Columbia University Press.
- Lansing, J. B. & Marans, R.W. (1969). Planner's notebook: Evaluation of neighborhood quality. *Journal of the American Institute of Planners (AIP Journal)*, (14), 195-199.

Received: 2018/11/03

Accepted: 2019/08/27



Reading and Assessing the City / Neighborhood Fabric As a Text. Case Study: Sar-Tapulah Historical Neighbourhood in Sanandaj

Bahador Zamani* Sahar Nasri** Mohammad Masoud***

Abstract

From a linguistic point of view, the city can be seen as a text, consisting of different components and structures being related to each other beyond a sentence. Looking at the city from this point of view, what establishes a syntactic relationship and cohesion and coherence of the components of the city as a common language is called the syntax of the city. Linguistic study of the text of the city requires a branch of linguistics called text linguistics including linguistic rules and elements beyond the sentence. Every literary text arises from the joining of a set of sentences; the relation of these sentences is not just as random as the components of the city text, but the set of all elements and components in a regular relationship creates a structured and coherent whole and provides a harmonious continuum based on certain principles and rules. The combination of these sentences in the city follows both syntactic and semantic rules. Using the principles and rules of linguistics, this paper introduces a methodology for physical and content analysis of the city applying this method for the study of Sar-Tapulah neighborhood of Sanandaj, which is one of the most important neighborhoods of the historical core of this city, in order to evaluate and analyze the criteria of its textuality using urban design techniques and tools. Applying a pathological approach towards this area the paper aims to come up with the strengths and weaknesses of Sar-Tapulah neighborhood based on the textuality criteria. Therefore, the textuality test has been done in this neighborhood based on seven textuality criteria (cohesion, coherence, intertextuality, acceptability, informativity, intention, situationality) using selected urban design techniques and tools. The research findings show Sar-Tapulah neighborhood weak in terms of textuality criteria, and this weakness is due to the deterioration of the neighborhood fabric and lack of attention to the structure of the neighborhood and textuality criteria in its related renovations.

4

Keywords: Text, Textuality, Textuality criteria, Sar-tapulah neighborhood

* Associate Professor, Faculty of Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. b.zamani@au.ac.ir

** M.A Holder, Urban Designing Major, Faculty of Art and Architecture, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. sahar.nasri@gmail.com

*** Associate Professor, Faculty of Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.masoud@au.ac.ir